

## توحید عملی (توحید در عبادت و توحید در شفاعت و استعانت) از دیدگاه امامیه و سلفیه (دیوبندیه و وهابیت)

محمد صادق سجادی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>. گروه معارف، دانشکده الهیات و معارف، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران.

(نویسنده مسئول). ssajjadiq@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴

### چکیده

توحید عملی بویژه توحید عبادی یکی از اصولی است که همه مسلمانان به آن معتقدند ولی در تفسیر آن با هم اختلاف نظر دارند. در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی، ابتدا دیدگاه وهابیت در مورد توحید و شرک عملی تبیین شده است؛ سپس به اختلاف دیدگاه وهابیت با دیوبندیه نخستین اشاره شده است و بعد از آن به نزدیک شدن دیدگاههای وهابیت با دیوبندیه امروز پرداخته شده است. سپس اختلاف دیدگاه وهابیت و دیوبندیه در مورد توحید در شفاعت و استعانت مطرح شده است. در پایان دیدگاه امامیه در مورد توحید عبادی و توحید در شفاعت و استعانت بیان شده است. با توجه به بررسی دیدگاههای متفاوت وهابیت، دیوبندیه و امامیه در توحید عبادی و توحید در شفاعت و استعانت نتیجه گرفته شده است که ویژگی دیدگاه وهابیت این است که تعظیم پیامبران و اولیای الهی، زیارت، شفاعت و توسل را عبادت خلق و نوعی شرک می انگارند آنها از این حقیقت غافلند که نمی توان هر تعظیم و خضوعی را عبادت شمرد و از مصادیق شرک محسوب کرد، در حالی که امامیه و اکثر سلفیه دیوبندیه معتقدند که «توسل»، با توحید سازگاری دارد. هر چند برخی از سلفیه دیوبندیه مثل شاه ولی الله دهلوی معتقد است برخی از اعمال همچون استغاثه و استمداد به اهل قبور غیر مجاز و از مظاهر شرک است.

کلیدواژه: توحید عبادی، توحید در شفاعت و استعانت، توحید عملی، وهابیت، دیوبندیه، امامیه

### مقدمه

مسأله توحید اولین و زیربنایی ترین بحثی است که پس از ظهور اسلام بین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم با مشرکین عصر جاهلی مطرح شد. پیامبر اکرم (ص) با تمام وجود در راه توحید قدم برداشت و شرک را ریشه و خاستگاه آداب و رسوم جاهلی و انحرافات فکری معرفی نمودند و آن را عملی نابخشودنی دانستند. در زمان پیامبر اکرم (ص) هرگز بین ایشان با مشرکین بحثی در مورد مفهوم و محتوای توحید و شرک و اقسام آنها رخ نداد، اما در دوره های بعد اختلافاتی در مفهوم و مصادیق توحید و شرک پدید آمد.

ناگفته پیداست که توحید عبادی مهمترین مرتبه توحید عملی است همانگونه که شرک عبادی زشت ترین مرتبه شرک و شرک جلی یا شرک اکبر است و شاید بیشترین مبارزه انبیاء، مبارزه با شرک عبادی بوده است. (الله بداشتی، ۱۳۹۹ ش، توحید و صفات الهی، ص ۱۸۷)

چون دو نوع توحید و شرک مورد توجه علمای کلام قرار می گیرد یکی از جنبه نظری و دیگری از جنبه عملی. در جنبه نظری سخن از اندیشه توحیدی است و در جنبه عملی سخن از عمل و رفتار است که به مراتب مهمتر از جنبه نظری است چون هدف اساسی انبیای الهی در تعلیم معرفت توحیدی رساندن بشر به توحید عملی به ویژه توحید در عبودیت بوده است. البته بدیهی است که انسان تا در این دو بخش کامل نگردد به کمال توحید دست پیدا نمی کند.

در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی، دیدگاههای امامیه و سلفیه (دیوبندیه و وهابیت) در مورد توحید عبادی و شرک عبادی و توحید در شفاعت و استعانت و شرک در استعانت و استشفاع تبیین شده است و به شبهات ایجاد شده توسط سلفیه پاسخ داده شده است. برای روشن شدن موضوع یا مسئله ابتدا معانی مفاهیم به کار برده شده در این مقاله بیان شده است.

### مفهوم توحید

توحید به عنوان اصلی از اصول دین به معنای یگانه دانستن خداوند و اینکه موجودی جز خداوند، وجودی از خود ندارد، می باشد که فلاسفه از آن تعبیر به «توحید در وجوب وجود» می کنند. (نعمت الله پیغان، «امت واحده از همگرایی تا واگرایی»، صص ۴۷-۴۹)

### مفهوم عبادت

عبادت در لغت به معنای خضوع و تذلل می باشد. اما در اصطلاح تعاریف مختلفی از عبادت شده است؛ یکی از تعاریف این است که، عبادت یعنی انجام عملی برای غیر با اعتقاد به ربوبیت و الوهیت آن غیر. (جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۲، ص ۵۱۶)

### مفهوم شفاعت

شفاعت از ماده شفع به معنای ضمیمه کردن چیزی به چیزی و شفاعت انضمام به دیگری است که یآوری برای او و درخواست کننده از جانب او باشد. (الله بداشتی، ۱۳۹۹ ش، توحید و صفات الهی، ص ۱۸۷)

### مفهوم شرک

«الشرك» اسم است از «شرك» به معنای بهره و سهم و نصیب. زمانی که می‌گوییم: «ولی فیه شرکة» برای من در آن نصیبی است. در اصطلاح قرآن، شرک یعنی پرستش غیر خدا و درست به همین دلیل است که در قرآن کریم استدلال‌هایی که بر نفی شرک وارد شده است، بر انحصار «پرستش» خدای سبحان دلالت دارد و این است پیام اصلی قرآن کریم: «أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ...»

اصل در این ماده، تقارن دو شخص یا اشخاصی در یک عمل یا یک امر است؛ به طوری که بر هر یک از آنها در آن امر، نصیبی یا تأثیری موجود است و به این مناسبت، بر سهم و نصیب اطلاق شده است. (جار الله زمخشری، اساس البلاغ، ص ۳۲۸. و نیز حسن المصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، صص ۴۹-۵۰).

در نتیجه، در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که «شرك» یعنی گرفتاری در بند غیرخدا، یعنی: کسی را در عرض خدا در نظر گرفتن و او را منشأ حوادثی فرض کردن و سهمی برای اراده جهان به او دادن.

در مقابل، واژه «اخلاص» در اصل به معنای روغن (کره) شیر است که از آن خارج می‌شود و «خلص الشیء» یعنی از گرفتاری نجات و سلامت یافت. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۲۶) و «خلصت الیه» یعنی بدو رسیدم. (فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۱۸۶)

بدین سان باید گفت که اخلاص یعنی رهایی و نجات از بندها و دام‌های غیرخدایی و توحید خالص برای خدا.

### وهابیت و توحید عبادی

وهابیت توحید را دارای دو مرتبت می‌داند: (۱) توحید ربوبی (۲) توحید الوهی

توحید ربوبی همان توحید در خالقیت و توحید الوهی همان توحید در عبادت است. وهابیان معتقدند که توحید در خالقیت به تنهایی کافی نیست بلکه باید در پی آن، خدای یگانه را پرستید. توحید عبادی، ویژه وهابیت نیست بلکه همه مسلمانان به آن معتقدند، اما ویژگی وهابیت این است که تعظیم پیامبران و اولیای الهی، زیارت، شفاعت و توسل را عبادت خلق و نوعی شرک می‌انگارند آنها از این حقیقت غافلند که نمی‌توان هر تعظیم و خضوعی را عبادت شمرد و از مصادیق شرک محسوب کرد. (سبحانی، ۱۴۲۶ق، التوحید و الشرك فی القرآن الکریم، صص ۴۳-۵۰) (خطیبی، ۱۳۸۶ ش، فرهنگ شیعه، ص ۲۰۴)

### تعریف وهابیت از توحید و شرک عملی و موارد نقض آن

توحید عبادی در نظر وهابیت، به معنای لغوی گرفته شده است. صرف خضوع و خشوع. طبق این تعریف بسیاری از مسلمانان کافر به حساب می آیند. زیرا در مقابل والدین، علما و بزرگان خضوع و خشوع دارند. گرد قبر پیامبر می چرخند و در مقابل حضرت تواضع نشان می دهند.

در مورد شرک در عبادت، وهابیت تعریفی برای عبادت آورده اند که هر نوع خضوع در برابر انبیاء و حتی طلب شفاعت و حاجت و زیارت قبور انبیاء را شرک تعریف کرده اند. از نظر آن ها توسل و شفاعت و قسم و نذر و قربانی و زیارت و تبرک جستن به اولیای الهی مهم ترین مظاهر شرک و پرستش غیر خداوند است.

در حالی که امامیه شفاعت و زیارت را شرک نمی داند. زیرا شرک در جایی است که اعتقاد به دو واجب الوجود باشد. فردی اعتقاد داشته باشد که خدا و پیامبرش به صورت مستقل، مؤثر در عالم هستند؛ این شرک است. زیرا برای تدبیر عالم اعتقاد به فرد دیگری دارد. اما اگر کسی انبیاء را واسطه درگاه الهی دانسته و آنان را مؤثر در این عالم بداند؛ ولی بگوید به اذن خداوند تأثیر گزارند نه به صورت مستقل، در این صورت عمل او نه تنها شرک نیست؛ بلکه بهترین مصداق و نمونه توحید است.

از سوی دیگر در قرآن و روایات مواردی خلاف این نظریه وجود دارد و یا در افعال وهابیان موارد نقض آن مشاهده می شود که برای تأیید مطلب به چند نمونه اشاره می شود:

۱- خود خداوند در قرآن به طور صریح فرموده است: «ما من شفیع الا من بعد اذنه» (یونس، ۳) اگر این آیه را با آیات «قل لله الشفاعة جمیعا» (زمر، ۴۴) و یا آیه «لیس لهم من دونه ولی و لا شفیع» (انعام، ۵۱) ضمیمه کنیم معنای آیه این می شود که شفیع واقعی خداوند است و شفیعان دیگر به اذن او می توانند شفاعت کنند

۲- سجده کردن ملائکه به پیشگاه حضرت آدم (ع)

و اذ قال ربك للملائكة انی خالق بشراً من صلصالٍ من حمأٍ مسنونٍ ﴿۱۹﴾ فَاِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيْهِ مِنْ رُّوحِيْ فَقَعُوْا لَهٗ سَاجِدِيْنَ (حجر، ۲۸-۲۹)

این آیات بیانگر سجده کردن نه به عنوان خالق و رب بلکه به عنوان اطاعت از فرامین و دستورات حق است.

۳- خود قرآن نیز فرموده است: «وسیله به درگاه الهی اخذ کنید؛ وَ ابْتَغُوا اِلَيْهِ الْوَسِيْلَةَ» (مائده، ۳۵) در حالی که شرک، همتا قرار دادن برای خداوند است؛ یعنی خدا و پیامبر به صورت مستقل در عالم تأثیر گزار باشند.

۴- در حدیثی از سنن ابن ماجه از پیامبر گرامی اسلام روایت می کند که فرمود:

أندرون ما خیرنی ربی اللیلۃ؟ قلنا الله و رسوله أعلم. قال فأنه خیرنی بین أن یدخل نصف امتی الجنۃ و بین الشفاعة فاخترت الشفاعة، قلنا یا رسول الله ادع الله أن یجعلنا من أهلها قال هی لکل مسلم. (۳۴). آیا می دانید که خدا امشب مرا بین چه چیزهایی مخیر فرمود؟ گفتیم خدا و پیامبر بهتر می دانند. فرمود: او مرا مخیر ساخت بین این که نصف امت من وارد بهشت گردند و بین شفاعت، پس شفاعت را اختیار نمودم. گفتیم ای پیامبر خدا، از پروردگار خود بخواه که ما را شایسته شفاعت گرداند. فرمود: شفاعت، برای هر مسلمانی خواهد بود.

در این حدیث به روشنی، یاران پیامبر از خود او درخواست شفاعت می کنند و می گویند: (أدع الله...).

۵- قاضی عیاض در کتاب الشفاء بتعریف حقوق المصطفی روایت می کند:

روزی منصور، خلیفه عباسی، با مالک بن انس در کنار قبر پیامبر بحث می کرد که صدایش را بالا برد. مالک به او گفت در این مسجد صدایت را بالا میر؛ زیرا خداوند کسانی را که در محضر رسول خدا با صدای بلند سخن گفته اند، ادب آموخته و فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ). [حجرات، ۲]

از مالک بن انس سؤال کرد: هنگام حضور در روضه نبوی آیا به سوی روضه نبوی بایستم و دعا کنم یا به سوی قبله بایستم و دعا کنم؟ مالک پاسخ داد: رویت را از قبر نبوی برگردان.

و هو وسیلتک و وسیلهً أییک آدم إلی الله عز وجل یوم القیامه؛

او وسیله تو و پدرت حضرت آدم برای رسیدن به خداست. پس باید به سوی رسول خدا بایستی و به وسیله او درخواست شفاعت کنی، تا تو را شفاعت کند. (عیاض یحصی، الشفا بتعریف حقوق المصطفی، ص ۱۶۸) (ابن عساکر، إتحاف الزائر وإطراف المقیم للسنائر، ص ۴۶)

ماجرای مالک و منصور سال‌ها پس از رحلت پیامبر، و در شهر مدینه کنار قبر ایشان رخ داده است.

۶- بوسیدن و استلام حجر الأسود توسط همه مسلمانان به پیروی از پیامبر گرامی اسلام (ص)

این صورت و شبیه کاری است که بت پرستان با بت‌های خود انجام می‌دادند اما کار مسلمانان عین توحید و کار آنها عین شرک است.

پس نتیجه می‌گیریم که ارکان و عناصر اصلی عبادت، منحصر در حُضوع و تذلل نیست بلکه حُضوع و تذلل با عقیده خاصی نیز توأم باشد. در حقیقت عقیده به عمل رنگ عبادت می‌بخشد و بدون آن عمل رنگ عبادی نخواهد گرفت.

## آشنایی اجمالی با دیوبندیان نخستین و دیوبندیان امروز

دیوبندیان نخستین و مخالفت آنها با وهابیت

مکتب دیوبندی که از فرقه‌های اهل سنت به شمار می‌رود، یکی از مهم‌ترین جریان‌های فکری مذهبی در جهان اسلام است که نفوذ و گسترش قابل توجهی در میان مسلمانان جنوب آسیا پیدا کرده و حتی دارای اهمیت سیاسی بین‌المللی شده است. عنوان مکتب دیوبند از مدرسه دینی «دارالعلوم دیوبند» اخذ شده است.

شالوده و بنیان اندیشه دینی مکتب دیوبند، برگرفته از اندیشه‌ها و آرای سه متفکر و مجدد اهل سنت «شیخ احمد سرهندی»، «شاه ولی‌الله دهلوی» و «سید احمد عرفان یا سید احمد بارلی یا بریلوی» می‌باشد که بنیادگذار جنبش محمدیه یا احیاگر اهل حدیث در شبه قاره هند هستند. شاه ولی‌الله را می‌توان بزرگ‌ترین شخصیت دینی مسلمانان شبه قاره در چند سده اخیر دانست.

دیوبندیه به خصوص دیوبندیان نخستین، از وهابیت و شخص محمد بن عبدالوهاب نفرت زیادی داشته‌اند و از مبارزان اصلی در برابر انتشار وهابیت در شبه قاره به شمار می‌رفتند. حتی کتاب‌های بزرگان وهابیت را می‌سوزاندند و با مبلغان وهابی با شدت برخورد می‌کردند. (محمد طیب، ۱۳۸۸ ش، علماء دیوبند)

علمای مذاهب اربعه در حجاز از علمای دیوبند سؤال کردند که آیا شما وهابی هستید یا سنی؟ بدین منظور ۲۴ پرسش اعتقادی را برای آنان طرح کردند. سهارنپوری به این پرسش‌ها پاسخ داد و نوشت که ما اهل سنت و جماعتیم و در برخی موارد، با آنچه در نامه‌های شما از عقاید وهابیت شمرده شده است، مخالفیم. او این جوابیه را به امضای علمای هند رساند و به حجاز فرستاد و پس از دریافت آن، علمای اهل سنت چهار مذهب در عربستان، الازهر مصر، سوریه و عراق بر آن صحه گذاشتند و تأیید کردند.

همچنین از وهابیت به «الوهابیه الخبیثه الخبثاء»، «فرقه گمراه»، «اهل تشکیکات و تلبیسات و جهالت و گمراهی» تعبیر کرده‌اند که «نماز خواندن پشت سر آنان تنها در حال اضطرار و آن هم از باب اکل میته جائز است». حتی اگر کسی به هر نحوی، دیوبندیان را وهابی می‌نامید، بزرگان دیوبندیه با بی‌زاری جستن از انتساب به وهابیت، مدرسه دیوبند را تنها متأثر از افکار شاه ولی‌الله دهلوی و پایبند به اصول صحیح اسلامی می‌دانستند.

از مهم‌ترین مسائلی که در جلسه حضوری دیوبندیان با وهابیان به تفصیل مورد نقد قرار گرفته است، مربوط به رفتار حاکمان وهابی در تخریب بقعه‌های متبرکه مکه و مدینه است.

سلطان بن سعود ضمن سخنانی با استناد به آیات و روایات و رفتار برخی خلفا در مبارزه با مظاهر شرک و بدعت و با تأکید بر توحید به عنوان اساسی‌ترین اصل اعتقادی که هیچ مانعی نمی‌تواند او را از توجه به این اصل باز دارد، از رفتار خود در تخریب بقعه‌های متبرکه دفاع کرد.

پس از سخنان او، شبیر احمد عثمانی، از بزرگان دیوبند، در پاسخ به سخنان سلطان مسعود، ضمن تأکید بر ضرورت پیروی از کتاب و سنت و احیای اصل توحید، گفت که درک درست کتاب و سنت و به‌کارگیری مناسب از آن‌ها کار هرکس و ناکسی و در خور من و شما نیست، بلکه اظهار نظر در چنین مواردی نیازمند تفقه عمیق و بصیرت مجتهدانه است تا درست تشخیص دهد که به هر نسی در کجا و چگونه عمل می‌شود.

شبیر احمد عثمانی یکایک مسائلی را که سلطان مسعود به عنوان شرک نام برده بود، نقد کرده است. از جمله: (عبدالرحمان سربازی، ۱۳۹۴ ش، عقاید اهل سنت و جماعت در رد وهابیت و بدعت)

الف) استدلال به قطع درخت بیعت رضوان از سوی خلیفه دوم برای توجیه تخریب بقعه‌های متبرکه، دلیل کافی برای توجیه رفتار شما نمی‌تواند باشد، چرا که این درخت پس از زمان بیعت تا اوایل خلافت عمر وجود داشت و تا آن زمان نه پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و نه هیچ‌یک از مسلمانان، آن را عامل پرستش و شرک تشخیص نداده بودند، تا آن که عمر فکر کرد ممکن است در آینده چنین مشکلی به وجود آید و آن را از بین برد.

ب) ادای نماز در بقعه‌های متبرکه نیز باعث شرک نیست، زیرا در حدیث معراج آمده است که جبرئیل در چهار موضع به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیشنهاد کرد از براق پیاده شود و نماز بخواند: مدینه، کوه طور، مسکن شعیب و بیت اللحم. با این حال، هیچ دلیلی وجود ندارد بر منع نماز خواندن بر جبل النور که اولین محل نزول وحی الهی بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود، یا در مسکن حضرت خدیجه که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ۲۸ سال در آن جا زندگی کرد، یا در محل ولادت آن حضرت.

ج) سجده تعظیم با سجده عبادی فرق دارد. آنچه باعث شرک حقیقی و حلال شدن جان و مال می‌شود، سجده عبادی است، اما با سجده تعظیم و تحیت که در کنار حرم بزرگان انجام می‌شود، شخص تنها مجرم و گنهگار شناخته می‌شود، نه مشرک و کافر.

قطع نظر از این موارد نیز کار شما اشتباه است، زیرا قبور اعظم در قلوب مردم تأثیر و ارتباط دارد چنان‌که نارضایتی مردم جهان اسلام از این کار جنابعالی در این موقع، مؤید روشن این مطلب است. سپس سلطان مسعود می‌گوید که من از پاسخ به این استدلال‌ها عاجز و پاسخی آنها را به علمای خود واگذار می‌کنم.

## دیوبندیان امروز

امروزه بخشی از جریان‌های تندرو سلفی وابسته به دیوبند، با وهابیت درآمیخته و آبشخور فکری و عقیدتی گروه‌های سلفی جهادی شده است و به همین جهت در موضوعات مختلف با همدیگر همسویی پیدا کرده‌اند. دیوبندی‌ها که در گذشته کمتر تکفیر می‌کردند، اکنون همانند جریان‌های تندرو سلفی و گروه‌های تکفیری نظیر القاعده و داعش تکفیر می‌کنند.

با توجه به این‌که در مکتب دیوبندی و فقه اهل حدیث، «تقلید» به آن معنایی که در مکتب فقهی بریلوی و شیعیان وجود دارد، مشاهده نمی‌شود، هر عالم دیوبندی، بر اساس مبانی فقه خود یعنی «قرآن، سنت، اجماع، قیاس و اجتهاد»، به نوعی دیدگاه‌های خاص خود را نیز بر آن می‌افزاید و به همین دلیل مکتب دیوبندی تا حدود زیادی از آن هویت اصلی خودش فاصله گرفته و دچار دگردیسی شده است.

در میان مدارس مذهبی پاکستان، مدرسه حقانی به عنوان مشهورترین و بنیادگراترین مرکز آموزش مذهبی پاکستان است که در آن به تقویت تفکر سلفی جهادی و ترویج مشی افراط‌گرایی و پرورش تروریست‌ها بر اساس عقاید وهابی دیوبندی اقدام می‌شود.

اما با این حال نباید همه دیوبندی‌ها را تکفیری تروریستی خواند که چنین ایده‌ای خطای راهبردی است.

پیروان شاه ولی‌الله را نیز می‌توان به سلفیت افراطی - که تا اندازه‌ای از وهابیت نیز متأثرند - و معتدل تقسیم کرد که بسیاری از دیوبندیان در این دسته قرار می‌گیرند؛ چنان که برخی از بزرگان دیوبندیه همانند نانوتوی و رشید احمد گنگوهی که در انتشار حدیث نقش مهمی داشته‌اند، در مدرسه شاه عبدالعزیز فرزند شاه ولی‌الله تربیت یافته‌اند. (السید عبد الماجد الغوری، ۱۴۲۱ ق، اعلام المحدثین فی الہند، ص ۲۹-۳۰)

بدین ترتیب دیوبندیان نیز همانند سایر جریان‌های شبه قاره، از حدیث‌گرایی شاه ولی‌الله تأثیر زیادی پذیرفته بودند. هرچند برخی از آنان به سلفیت و اهل حدیث گرایش بیشتری یافته‌اند که تعیین مرز دقیق میان آنان نیاز به دقت بیشتری دارد.

در فتوای مفتیان وهابی و سایت‌های اینترنتی آنان، از دیوبندیان به خصوص از گروه جماعت تبلیغ، با بدترین القاب نام برده و از همکاری مردم با آنان شدیداً نهی شده است. طالب الرحمن نیز درباره دیوبندیه نوشته است:

دیوبندیه از نظر عقیده با قبوریون بریلویه هم‌عقیده‌اند و با جریان اهل حدیث در شبه قاره دشمنی آشکاری دارند و با ابن تیمیه و ابن قیم و ابن عبدالوهاب و شاه اسماعیل دهلوی، دشمنی می‌کنند و به آنها طعن و افترا می‌زنند، در عین حال خود را اهل توحید می‌دانند و حال آنکه از نظر عقیده، فاصله زیادی با اهل توحید دارند. (طالب الرحمن، ۱۴۱۵ ق، الدیوبندیہ، صص ۱۰-۱۱)

وهابیت در شرایط کنونی ادعای برخی دیوبندیان را در نداشتن اختلاف بنیادین با وهابیت فریکارانه خوانده و آن را نپذیرفته است.

### دیوبندیه و توحید و شرک عبادی

دیوبندیه در تبیین شعار توحید، رعایت انحصار در عبادت را مطرح می‌کند؛ یعنی تلقی دیوبندیه از توحید، ترک مظاهر شرک است. همچنین دیوبندیه با تأکیدات فراوان، معتقد است همه توحید در معنای عبادی آن خلاصه شده و شعار توحید در این مسأله تمرکز یافته که «عبودیت، مالکیت، امور دنیا و آخرت، پرستش و بندگی منحصر در اختیار اوست و نه غیر او».

دیوبندیان بر زبان راندن فقط شعار توحید را کافی نمی‌دانند بلکه معتقدند؛ اگر کسی کلمه طیبه «لا اله الا الله» را بدون آگاهی بر زبان جاری سازد؛ چنین کسی شرعاً به نزد خداوند، مؤمن و مسلمان به حساب نمی‌آید. و شرک از نظر دیوبندیه، مشارکت در ذات و صفات خداوند ملاک تشخیص شرک است. همانطور که دهلوی بیان می‌کند «صفتی که برای خداوند ثابت است، ثابت کردن آن نیز برای دیگران شرک است.» (دهلوی، ۱۳۷۸ ش، ص ۴۷)

استدلال دیوبندیان این است که مشرکان زمان پیامبر اکرم (ص)، توحید در خالقیت و ربوبیت را قبول داشته و حتی در اینکه فرشتگان، بندگان مقرب خدا و مستحق تعظیم‌اند؛ تردید نداشتند اما دچار استبعاد، شبهات و شرک خاص (شرک صفاتی) شده بودند و مذمت خداوند به خاطر عدم اعتقاد مشرکان به توحید در خالقیت و ربوبیت نیست بلکه به خاطر شرک خاص (شرک صفاتی) است.

باور دیوبندیه در قبح «قطع توجه از خالق» و «توجه تام و مستقیم به ابزار و وسائط» و شرک بودن قبول به «استقلال در تأثیر گذاری اسباب» قابل پذیرش است؛ اما اینکه اصلی‌ترین شرک، نوع صفاتی آن دانسته شود و حتی قبیح‌تر از عقیده مشرکان طول تاریخ جلوه کند، جای شگفتی دارد. (برگرفته از الله نیا سماکوش محمد و فرمانیان مهدی، ۱۳۹۶ ش، بررسی تطبیقی مبانی معنا شناختی، صص ۱۱۵-۱۲۴)

با این حال، دیوبندیه بر خلاف وهابیت با تزییق مفهوم عبادت و عدم تلازم بین ایمان و عمل، احتیاط و اعتدال را در مسئله تکفیر شرط دانسته و فقط تکفیر کسانی را جایز می‌دانند که یکی از احکام ضروری دین را انکار می‌کنند.

## دیوبندیه و توحید در شفاعت و استعانت

اکثر فرق اسلامی بسیاری از وجوه «توسل» را قبول دارند. از جمله این فرق، دیوبندیه است. تبیین «توسل»، سازگاری آن با توحید، مشروعیت و عمق التجای مسلمین به آن، مساله مهمی است که در این مقاله با بررسی آن در قلمرو اندیشه و سیره علمای دیوبندیه در نمایاندن بطلان عقاید وهابیت گام برداشته می شود.

دیوبندیها ضمن برائت از عقاید وهابیون وجوه مختلف «توسل» مانند توسل به ذات و مقام پیامبر و صالحین، شفاعت، طلب دعا از پیامبر در دنیا، قبر و قیامت، طلب دعا از صالحین در زمان حیات و نیز بعد از مرگشان، زیارت قبر انبیاء و اولیاء، تبرک، شفاء و تکریم قبور و قبه ها را قبول دارند. به چند نمونه برای تأیید مطلب در ذیل اشاره می شود.

۱- خلیل احمد سهارنپوری در کتاب المهند علی المفند می گوید:

نزد ما و مشایخ ما، توسل در دعاها به انبیا و صالحان اولیا و شهیدان و راستگویان، خواه در حال حیات و خواه پس از مرگ، جایز است و چگونگی دعا این گونه است که بگوید: «خدایا، به واسطه فلانی به تو متوسل می شوم تا دعای مرا اجابت و خواسته مرا برآورده سازی». (سهارنپوری، المهند علی المفند، ص ۳۷)

۲- عبدالرحمن سربازی در ترجمه خود از کتاب المهند علی المفند می گوید:

نزد ما توسل به انبیا، صدیقان، شهدا و اولیا، چه در حال حیات و چه در حال ممات، به این صورت جایز است که گفته شود: «پروردگارا، من به سوی تو به فلان بزرگوار توسل می کنم که دعای مرا مستجاب کنی». (سهارنپوری، عقاید اهل سنت و جماعت در رد وهابیت و بدعت، ترجمه: عبدالرحمن سربازی، ص ۲۱)

۳- شاه عبدالعزیز دهلوی، که علمای دیوبند برای دیدگاههای ایشان ارزش فراوانی قائل اند، در کتاب تفسیر خود، توسل به اولیایی را که از دنیا رفته اند، جایز و نافع دانسته است. (دهلوی، شاه عبدالعزیز، تفسیر فتح العزیز، ص ۵۰ و ۱۱۵)

۴- اشرف علی تهانوی، یکی دیگر از بزرگان دیوبندیه، در کتاب خود این گونه سخن می گوید:

به خدا سوگند می خورم، احدی بر سر قبر شریف پیامبر (ص) نرفته، مگر اینکه شکستش جبران شده و نقصش برطرف گشته و هیچ مضطری به او پناه نبرده، مگر آنکه با امنیت بازگشته و آرزویش به یأس مبدل نشده است، و هیچ عائل فقیری نزد قبرش حاضر نشده، مگر اینکه حوایج او برطرف شده و... (تهانوی، اشرف علی، نشر الطیب فی ذکر النبی الحبيب، ص ۱۴۲؛ به نقل از: فرمانیان، مهدی و محمد مصطفایی، «توسل از دیدگاه دیوبندیه»، مجله پژوهش های اعتقادی کلامی، ص ۱۲۰)

از مطالب بیان شده از علمای دیوبندی به این نتیجه می رسیم که آنان توسل به پیامبر (ص) را جایز دانسته اند؛ چه این توسل در حال حیات پیامبر (ص) باشد و چه در زمان ممات ایشان.

## روایت مورد استناد علمای دیوبندیه برای جواز توسل

روایت مورد استناد علمای دیوبندیه برای جواز توسل، روایت عثمان بن حنیف است. ترمذی در مسند خود این روایت را از عثمان بن حنیف این گونه نقل می کند:

أَنَّ رَجُلًا ضَرِيرَ الْبَصَرِ أَتَى النَّبِيَّ فَقَالَ ادْعُ اللَّهُ أَنْ يَعْفِينِي. قَالَ: إِنَّ شَيْئًا دَعَوْتُ وَإِنْ شِئْتَ صَبَرْتَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ. قَالَ فَادْعُهُ. قَالَ فَأَمَرَهُ أَنْ يَتَوَضَّأَ فَيُحْسِنُ وُضوءَهُ وَيَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ. (ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۵۶۹)

در این روایت آمده است:

مردی برای رفع گرفتاری نزد عثمان بن عفان، خلیفه سوم، رفت و آمد می کرد؛ ولی عثمان به وی توجه نمی کرد. آن شخص به عثمان بن حنیف گلابه کرد. عثمان بن حنیف به وی گفت: «وضو بگیر و به مسجد برو و پس از خواندن نماز، به رسول اکرم- متوسل شو و بگو: "خدا یا، حاجت خود را از تو می خواهم و به وسیله پیامبرت به تو روی آورده ام. ای محمد، من به وسیله تو به خدا روی آورده ام تا حاجتم برآورده شود." آن گاه حاجت خود را ذکر کن». آن شخص به توصیه عثمان بن حنیف عمل کرد و به طرف منزل خلیفه سوم حرکت کرد. وقتی چشم دربان منزل عثمان به وی افتاد، او را با احترام نزد عثمان برد و عثمان او را نزد خود نشاند و مشککش را برطرف کرد. او از منزل عثمان بن عفان خارج شد و نزد عثمان بن حنیف رفت. داستان را برای او نقل کرد و از وی تشکر نمود. عثمان بن حنیف گفت: «به خدا سوگند، این توسل را از پیش خود نگفتم، بلکه نزد پیامبر- بودم که نابینایی آمد و از حضرت تقاضای دعا کرد. رسول خدا- این توسل را به او آموخت و مرد نابینا به برکت این توسل، شفا یافت و بینا شد». (طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۳۰۶)

ابن حنبل نیز این روایت را در مسند خود نقل کرده (ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۳۸) و ترمذی نیز بر این امر تصریح نموده که این روایت حسن و صحیح است. (ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۵۶۹) همچنین محمد عمر سربازی این حدیث را در کتاب خود بیان می کند و در ادامه می گوید: «از این روایت جواز توسل به ذوات و اشخاص بعد از وفات نیز ثابت می شود». (سربازی، محمد عمر، توسل و ندای غیرالله، ص ۳۱)

### مخالفت برخی دیوبندیه با توسل

شاه ولی الله دهلوی از جمله اشخاصی است که معتقد است برخی از اعمال همچون استغاثه و استمداد به اهل قبور را غیر مجاز و از مظاهر شرک است. او معتقد است که انبیاء و اولیاء قادر بر شنیدن ندای مستغیث و یاری رساندن به شخص مستغیث نیستند. علاوه بر اینکه استمداد به اهل قبور با توحید در استعانت سازگاری ندارد و ما هیچ مستندی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و صحابه نداریم که آنان به قبور انبیاء و اولیاء استمداد جسته باشند. این در حالی است که بسیاری از علمای دیوبند که به نحوی متأثر از اندیشه ولی الله دهلوی هستند، سماع اهل قبور خصوصاً پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را پذیرفته و معتقدند که حضرت می تواند ندای مستغیث را بشنود و امداد رسانی کند و این امر مناقاتی با توحید در استعانت ندارد. (علی ملا موسی میبیدی، ۱۳۹۷ ش، تقابل دیدگاه دیوبندیه با شاه ولی الله دهلوی در استغاثه، صص ۱۳۲-۱۴۸)

یکی دیگر از افرادی که با توسل به انبیا و اولیای الهی مخالفت کرده، انور شاه کشمیری است. او با توسل به افرادی که از دنیا رفته اند، مخالفت کرده و فقط توسل به افعال و همین طور اشخاصی را جایز می داند که زنده باشند. وی افزوده است که ابن تیمیه حتی این نوع از توسل به افراد را نیز قبول ندارد؛ (کشمیری، انور شاه، فیض الباری علی صحیح البخاری، باب تحویل الرداء فی الاستسقاء، ج ۲، ص ۴۹۶) زیرا به اعتقاد ابن تیمیه، فقط توسل به افعال جایز است، نه به اشخاص. این یعنی کسی حق ندارد به اسمای اولیای الهی متوسل شود، چه آن افراد زنده باشند و چه از دنیا رفته باشند، بلکه فقط می تواند کارهای نیک آنان را واسطه پذیرش کارهای ناقص خود قرار دهد. (ندوی، محمد رحمت الله، أشرف علی التهانوی حکیم الأمة، ص ۱۴۲)

محمد عمر سربازی نیز در کتاب شمشیر بران بر اشراک و بدعات دوران، بر این عقیده است که فقط توسل به ذوات اولیای زنده جایز است. (نقشبندی، محمد عمر، شمشیر بران بر اشراک و بدعات دوران، فصل اقسام توسل، ص ۹۶) می توان فهمید منظور ایشان این است که توسل به اولیا در حال ممات ایشان جایز نیست.

این سخن انور شاه کشمیری و محمد عمر سربازی نشان از تأثیر تفکر ابن تیمیه بر دیدگاه های برخی دیوبندی ها در مسئله توسل دارد.

در نقد دیدگاه مخالفان توسل، تهانوی، که جایگاه والایی نزد دیوبندیه دارد و به حکیم الأمة معروف است، اعتقاد ابن تیمیه و هم فکران وی از جمله انور شاه کشمیری در جایز ندانستن توسل به اشخاص را برخلاف سنت، و ناشی از فهم نادرست آنها دانسته و معتقد است فرقی میان توسل به اشخاص، چه زنده و چه مرده، با توسل به افعال وجود ندارد. وی این گونه دلیل می آورد که حقیقت توسل به



افعال این است که اگر شخص می‌گوید: «اللهم افعل لی کذا بفضل العمل الفلانی» این یعنی خدایا، به فضل عمل آن شخص حاجت مرا برآورده کن؛ چون آن عمل نزد تو محبوبیت دارد، و معنای توسل به اشخاص این است که گفته شود: «خدایا، این مرد صالح محبوبِ توست و تو بر کسی که قرابتی با بندگان محبوبیت داشته باشد، وعدهٔ نزول رحمت داده‌ای. ما نیز به سبب حُسن اعتقاد و محبت به بندهٔ صالحت با او قرابت داریم. پس از تو می‌خواهیم که ما را نیز مشمول آن رحمت بگردانی».

تهانوی می‌افزاید:

اگر من در زمان این تیمیه بودم یا او در زمان من می‌بود، با احترام به او می‌گفتم: «با شیخنا، حقیقت توسل به اعمال چیست؟ توسل به اعیان چه فرقی با توسل به اعمال دارد؟ در توسل به اعیان، چه فرقی بین شخص زنده و شخص مرده وجود دارد؟»

وی در نهایت می‌گوید:

یقین دارم اگر شیخ، امروز زنده بود، با پی‌بردن به حقیقتِ توسل، هیچ‌گاه توسل به اعیان را به‌طور مطلق منع نمی‌کرد. (ندوی، محمد رحمت‌الله، اشرف علی التهانوی حکیم الأمة، ص ۱۴۲)

این سخنانِ تهانوی نشان از اعتقاد عمیق و قلبی او به بحث توسل دارد.

### امامیه و توحید عبادی و توحید در شفاعت و استعانت

همهٔ مسلمانان از جمله امامیه در نماز به توحید در عبادت گواهی داده، می‌گویند: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾ (الفاتحه/۵). البته باید توجه داشت که «عبادت» غیر از «تکریم» است؛ پس تکریم پدر و مادر، بزرگان و اولیای الهی، عبادت به شمار نمی‌رود. پرستشی که از غیر خدا نفی و نهی شده، آن است که انسان در مقابل موجودی خضوع کند با این اعتقاد که او به‌طور مستقل سرنوشت جهان یا انسان یا بخشی از سرنوشت آن دو را در دست دارد و به تعبیر دیگر، «ربّ» و «مالک جهان و انسان» است؛ ولی اگر خضوع در مقابل موجودی از این نظر صورت گیرد که وی بندهٔ صالح خدا و صاحب فضیلت و کرامت یا منشأ نیکی در مورد انسان است، چنین عملی تکریم و تعظیم خواهد بود، نه عبادت؛ پس بوسیدن ضرایح مقدّسه یا اظهار شادمانی در روز ولادت و بعثت پیامبر(ص) جنبهٔ تکریم و اظهار محبت به حضرت را دارد، و هرگز از اموری چون اعتقاد به ربوبیت او سرچشمه نمی‌گیرد (سبحانی، ۱۴۱۳ ق، الإلهیات، ج ۱، ص ۳۸)

خضوع ناقص در برابر کامل از سنت‌های عمومی حاکم بر آفرینش است، هر گاه موجودی در برابر موجود دیگر احساس ضعف و نقصان نماید و او را قوی تر و کامل تر از خود بداند، به‌طور ناخودآگاه در درون خود نسبت به آن موجود احساس خضوع و تذلل کند، آنگاه برای بهره‌مندی از کمال و قوت، یا مصون ماندن از تعرض او، با انجام فعلی مناسب، خضوع و تذلل خود را ابراز کند، تواضع و خضوع جاهل در برابر عالم و عالم در برابر اعلم از مصادیق همین عبادت و خضوع و تذلل فطری است و بدین جهت، عقل و فطرت آن را کاری شایسته می‌داند، هر چند فاعل آن از اینکه این عمل مورد تشویق و رضایت شارع است به کلی غافل باشد. بنابراین، تا آنجاکه خضوع و تذلل به خاطر کمالی است که در موجود دیگری وجود دارد، نمی‌توان آن را مذموم و ناروا دانست، بلکه چنین خضوعی عقلا و شرعا ممدوح است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰ ص ۲۷۴)

نقطهٔ اصلی ضعف بینش و هابیت در این است که معنای صحیح از توحید را خصوصاً در توحید در عبادت، درک نکرده‌اند و برای همین جهت معتقدند هر کس از دیگری اطاعت کند یا توسل کند، عبادت است در حالی که تعریف عبادت مستقل دانستن معبود در «ربوبیت» و «الوهیت» است و شیعه در توسل و تعظیم و تکریم اولیا الله و شعائر الهی هرگز به ائمه، مقام ربوبیت و الوهیت (مقام خدایی و تدبیر جهان) نمی‌دهد و آنها را واسطه در فیض می‌داند.

## منابع

- ابن حنبل، احمد بن محمد، ۱۴۱۶ ق، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت، مؤسسة الرسالة
- ابن عساکر، أبو الیمن، إتحاف الزائر و إطراف المقيم للسائر، بیروت، شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر
- اخویان، محمد علی، ۱۳۹۲ ش، مؤلفه های توحید عبادی در مقارنه دیدگاه امامیه و سلفیه، فصلنامه پژوهش های اعتقادی - کلامی، سال سوم، شماره ۹
- الله بداشتی، علی، ۱۳۹۹ ش، توحید و صفات الهی، چاپ سوم، قم، دانشگاه قم
- الله نیا سماکوش، محمد؛ فرمانیان، مهدی، ۱۳۹۶ ش، بررسی تطبیقی مبانی معناسناختی ماتریدیه و دیوبندیه در باب توحید و شرک، مجله پژوهش های کلامی و فلسفی، سال نوزدهم، شماره سوم
- المصطفوی، حسن، ۱۳۶۰ ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- پیغان، نعمت الله، ۱۳۸۰ ش، امت واحده از همگرایی تا واگرایی، فصل نامه علوم سیاسی، شماره ۱۵، دانشگاه باقر العلوم
- ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۱۹ ق، سنن الترمذی، قاهره، دار الحدیث
- تهانوی، اشرف علی، نشر الطیب فی ذکر النبی الحبيب، لاهور، کمپانی تاج به نقل از: مصطفایی، محمد و فرمانیان، مهدی، ۱۳۹۲ ش، «توسل از دیدگاه دیوبندیه»، مجله پژوهش های اعتقادی کلامی، شماره ۱۲
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹ ش، تفسیر موضوعی قرآن، قم، نشر اسراء
- خطیبی، محمد، ۱۳۸۶ ش، فرهنگ شیعه، قم، زمزم هدایت
- دهلوی، شاه عبدالعزیز، تفسیر فتح العزیز، تهران، نشر احسان
- دهلوی، کفایت الله، ۱۳۷۸ ش، تعلیم الاسلام، چاپ سوم، ترجمه: ابوالحسین عبد المجید مرادزهی خاشی، زاهدان، صدیقی
- رفیعی، محمد طاهر، ۱۳۹۵ ش، بررسی رابطه عقائد دیوبندیه و وهابیت، سراج منیر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- رفیعی، محمد طاهر، ۱۳۹۶ ش، دیوبندیه و اندیشه های کلامی آن، سراج منیر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- زمخشری، جار الله، ۱۴۱۹ ق، اساس البلاغه، بیروت، دار الکتب العلمیه

سبحانی، جعفر، ۱۴۱۳ ق، الإلهیات، قم، مؤسسه امام صادق (ع)

سبحانی، جعفر، ۱۴۲۶ ق، التوحید و الشرك فی القرآن الکریم، قم، مؤسسه امام صادق (ع)

سربازی، عبدالرحمان، ۱۳۹۴ ش، عقاید اهل سنت و جماعت در رد وهابیت و بدعت، چابهار، مدرسه عربیه اسلامیة

سربازی، محمد عمر، ۱۳۹۶ ش، توسل و ندای غیرالله، زاهدان، بی نا

سرشار، مژگان، ۱۳۸۲ ش، شرک و اخلاص در قرآن و مرز بین آن دو در قرآن، مجله رشد آموزش قرآن، شماره ۲

سهارنیپوری، خلیل احمد، ۱۴۲۵ ق، المهند علی المغند، هند، دار الفتح للدراسات والنشر

سهارنیپوری، خلیل احمد، ۱۳۷۱ ش، عقاید اهل سنت و جماعت در رد وهابیت و بدعت، ترجمه: عبدالرحمن سربازی، چابهار، مدرسه عربیه اسلامیة

طالب الرحمن، ۱۴۱۹ ق، الديوبنديه، ریاض، دارالصمیمی

طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

عیاض یحصبی، قاضی أبو الفضل، ۲۰۰۶ م، الشفا بتعریف حقوق المصطفی، بیروت، دار الفکر الطباعة والنشر والتوزیع

فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، خلیل بن احمد، العین، قم، انتشارات هجرت

کاظم موسوی، سید کاظم و سلطانی، مصطفی، ۱۳۹۸ ش، توحید و شرک در مذهب کلامی سلفیه و امامیه، پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه، سال ۱، شماره ۱

کشمیری، انورشاه، ۱۴۲۶ ق، فیض الباری علی صحیح البخاری، باب تحویل الرداء فی الإستسقاء، بیروت، دار الکتب العلمیة

کمالی، علی اصغر، ۱۳۹۸ ش، بررسی دیدگاه دیوبندیة در مسأله توسل به پیامبر اکرم (ص)، سراج منیر، شماره ۳۱

محمد طیب، ۱۳۸۸ ش، علماء دیوبند، بی جا، بی نا

ملا موسی میبیدی، علی، ۱۳۹۷ ش، تقابل دیدگاه دیوبندیة با شاه ولی الله دهلوی در استغاثه، فصلنامه صراط، شماره ۱۶

ندوی، محمد رحمت الله، ۱۸۶۱ م، أشرف علی التهانوی حکیم الأمة، دمشق، دار القلم

نقشبندی، محمد عمر، ۱۴۲۶ ق، شمشیر برآن بر اشراک و بدعات دوران، فصل اقسام توسل، انتشارات اسحاقیه